

با امام صادق (ع) در سایه قرآن

<?xml encoding="UTF-8?">

بسم الله الرحمن الرحيم



اهل بیت ترجمان قرآن

مرحوم شیخ کلینی در اصول کافی بخشی را به مسائل حجت و دلیل شیعیان اختصاص داده و در یکی از اخبار آن بخش چنین نقل کرده: منصور بن حازم گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: خداوند بالاتر از آن است که به وسیله مخلوقاتش شناخته شود بلکه این مخلوقاتند که به وسیله خدا شناخته می‌گردند. امام صادق (ع) فرمود: راست گفتی. گفتم: کسی که دانست برای او پروردگاری است، پس سزاوار است که بداند برای آن پروردگار رضا و سخطی است که جز از راه وحی و رسول شناخته نمی‌گردند، پس اگر به کسی وحی نشد سزاوار است که دست به دامان رسولان خدا شود، پس اگر آنها را ملاقات کرد، خواهد دید که آنها حجت هستند و پیروی از ایشان واجب. آنگاه به امام صادق (ع) می‌گویم که از مردم در مورد حجت بعد از رسول خدا (ص) پرسیدم. آنها گفتند: قرآن، ولی من به آنها تذکر دادم که قرآن بدون سرپرست و قیم کفایت نمی‌کند، چرا که گروههای مختلف از جمله مرجئه، قدریه و حتی زنادقه که به قرآن ایمان هم ندارند برای سخن خویش به قرآن استدلال می‌کنند و روی همین جهات است که گفتم قرآن نیاز به سرپرستی دارد که هر چه در مورد آن بفرماید حق باشد و در این میان کسانی چون ابن مسعود و عمر و حذیفه به عنوان سرپرست معرفی شدند اما من سوال کردم که آیا تمام قرآن را می‌دانستند؟ در جواب گفتند: خیر، تنها علی بود که آگاه به تمام قرآن بود. من گفتم: پس شهادت می‌دهم که علی (ع) قیم و سرپرست قرآن است و پیروی از او واجب و پس از رسول خدا (ص) حجت بر مردم است و آنچه در مورد قرآن ابراز عقیده کند حق است. امام صادق (ع) پس از شنیدن سخنان او و استدلال زیبا و محکم وی او را با گفتن «رحمک

الله ستود و دعایش کرد. [1] . سخنان جناب منصور را ضمیمه کنید به فرمایش حضرت امیرالمومنین که می‌فرماید: (ع) «این قرآن جز خطوطی که میان دو جلد نگاشته شده، چیزی نیست، به زبان سخن نمی‌گوید، ناچار باید ترجمانی داشته باشد.» [2] . در همین زمینه یکی از اصحاب امام صادق (ع) می‌گوید: شنیدم که امام صادق (ع) می‌فرمود: «نحن ولاة امر الله و خزنة علم الله و عیبة وحی الله.» (ما ولی امر «امامت و خلافت خدا و گنجینه علم خدا و صندوق وحی خدائیم) [3] . پدر گرامی آن حضرت، امام باقر نیز (ع) می‌فرماید: نحن تراجمة وحی الله (ما مترجمان وحی خدائیم). [4] .

هرچه می‌خواهی در قرآن بجوی

اشاره

در قرآن می‌خوانیم: «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لكل شیء...» [5] . امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است، به خدا سوگند آنچه که مورد احتیاج مردم بوده را کم نگذاشته، تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود در قرآن نازل می‌شد، آگاه باشید همه نیازمندیهای بشر را خدا در آن نازل کرده است.» [6] آری، قرآن کتاب تربیت و آدم سازی است. تمام آنچه برای رسیدن به تکامل و قرب الهی لازم است در قرآن آمده، باطن قرآن نیز ژرفائی دارد که برای رسیدن بدان علم اهل بیت لازم دارد و همچنین جزئیات احکام و مطالب مختلف در قرآن است که همان علم خاندان وحی را می‌طلبد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ما من امر یختلف فیه اثنان الا و له اصل فی کتاب الله عزوجل و لکن لا تبغیه عقول الرجال» (هیچ امری نیست که دو نفر در آن اختلاف پیدا کنند مگر آنکه اصل و ضابطه‌ای در قرآن دارد و لیکن عقول مردم بدان نمی‌رسد.) [7] . در جای دیگر امام فرمود: معنای این روایت که «هیچ آیه‌ای از قرآن نیست مگر آنکه ظاهر و بطنی دارد» این است که: ظاهر قرآن تنزیل آن و بطن آن تاویلش می‌باشد که بخشی از آن سپری گشته و بخش دیگر هنوز نیامده و مانند خورشید جریان دارد، آنچه از تاویل آمده همان گونه که شامل مردگان می‌گردد، زندگان را نیز شامل می‌شود و خداوند می‌فرماید: «تاویل آن را جز راسخان در علم نمی‌دانند» و ما از تاویل آن آگاهیم. [8] . آن امام (ع) همچنین می‌فرماید: من به کتاب خداوند آگاهم و گوئی در کف دستم قرار دارد، در آن خبر آسمان و زمین و خبرهای آینده و کنونی موجود است، خداوند می‌فرماید: «نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لكل شیء...» [9] .

اقسام ایمان در قرآن

اشاره

امام صادق (ع) می‌فرماید: «ایمان در قرآن چهارگونه مطرح گشته است:

اقرار زبانی

خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم...» (ای کسانی که «ایمان آورده‌اید با کمال دقت مراقب دشمن باشید (تا غافلگیر نشوید) و در دسته‌های متعدد یا به صورت اجتماع، (برای مبارزه) به راه افتید، در میان شما افرادی (منافق) وجود دارند که هم خودشان سست می‌باشند و هم دیگران را به سستی می‌کشاند، اگر مصیبتی به شما برسد می‌گویند: خدا به ما نعمت داد که با مجاهدان نبودیم تا شاهد صحنه‌های دلخراش گردیم. و اگر با خبر شوند که مومنان واقعی پیروز شده‌اند و طبعاً به غنائمی نیز دست پیدا کرده‌اند، همچون افراد بیگانه‌ای که هیچ ارتباطی میان آنها و مومنان نبوده، از روی حسرت می‌گویند: ای کاش ما هم با مجاهدان بودیم و سهم بزرگی نصیب ما می‌شد.) [10]. امام می‌فرماید: اگر اهل شرق و غرب این سخن را بر زبان جاری می‌ساختند از دایره ایمان بیرون می‌رفتند. اما با این حال چون اقرار زبانی کرده بودند خداوند آنها را مومن نامیده و به همین جهت مومنان دعوت می‌شوند که ایمان آورند: «یا ایها الذین آمنوا»، «آمنوا» بالله و رسوله [11] که خداوند به خاطر اقرار زبانی آنها را مومن نامیده و به ایشان فرموده ایمان آورید یعنی تصدیق هم بنمائید.

تصدیق قلبی

خداوند می‌فرماید: «الذین آمنوا» و كانوا یتقون لهم البشری فی الحیاه الدنیا و فی الآخره (آنها «اولیای خدا» کسانی هستند که ایمان آورده و «قلبا تصدیق نمودند» و بطور مداوم تقوا و پرهیزکاری را پیشه خود ساخته‌اند، برای ایشان در زندگی دنیا و در آخرت بشارت است.) [12]. و همچنین در آنجا که خداوند از قول بنی اسرائیل چنین نقل می‌کند که: «یا موسیٰ لن نومن لک...» [13] یعنی ای موسیٰ ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم (و تو را قلبا تصدیق نمی‌کنیم) مگر آنکه خدا را (با چشم خود) آشکارا ببینیم! و همچنین در آیه «یا ایها الذین آمنوا» که در قسمت اول گذشت.

انجام واجبات

خداوند می‌فرماید: «و ما کان الله لیضیع ایمانکم...» وقتی خداوند قبله پیامبرش را به طرف کعبه تغییر جهت داد، اصحاب رسول خدا (ص) گفتند: (وای بر ما) نمازهایی که به سوی بیت المقدس اقامه کردیم باطل گشت! خداوند در پاسخ، آیه فوق را نازل کرد و فرمود: «خداوند ایمان (نمازهای) شما را تباه نخواهد ساخت.» [14].

تایید و حمایت

خداوند می‌فرماید: «لا تجد قوما یؤمنون بالله و...» هیچ قوم و گروهی را که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان آنها باشند، ایشان کسانی هستند که خدا ایمان (یعنی تایید و حمایت خود) را بر لوح و صفحه قلوبشان نوشته و با روحی از

جانب خودش آنها را تقویت فرموده...» [15] .

اقسام کفر در قرآن

اشاره

امام صادق (ع) می‌فرماید: در قرآن «کفر» به پنج معنا وارد شده‌است:

انکار (که خود بر دو قسم است)

از روی نادانی

خداوند می‌فرماید: آنها (کفار نادان) گفتند: چیزی جز همین زندگانی ما در دنیا چیز دیگری نیست، گروهی از ما می‌میرند و گروهی زنده می‌شوند (و به دنیا می‌آیند و جای آنها را می‌گیرند) و چیزی جز گذشت زمان ما را هلاک نمی‌کند. «و مایه‌لکنا الا الدهر» در حالی که آنها (کفار نادان) به این سخن خود (که معادی وجود ندارد) یقین نداشته و تنها گمانی بی اساس دارند. «و مالهم بذلک من علم ان هم الا یظنون» [16] و همچنین آنجا که خداوند می‌فرماید: آنهایی که (از روی نادانی) کافر گشتند برای آنها تفاوت نمی‌کند که آنانرا از عذاب خدا بترسانی یا نترسانی ایمان نخواهند آورد. [17] .

از روی آگاهی

خداوند می‌فرماید: هنگامی که از طرف خداوند کتابی (قرآن) به آنها (یهود) رسید که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند، با اینکه پیش از این جریان، خود را به ظهور پیامبر اسلام (ص) دلگرم می‌کردند و امید پیروزی بر دشمنان خود را داشتند، اما با ظهور وی (همه چیز را فراموش کردند و با آگاهی) به او (حضرت محمد «ص») کافر گشتند. [18] . آری، چنین است که هوا پرستی سبب می‌گردد تا انسانی که سالها در پی حقیقت بوده، از درک آن باز بماند

بیزاری

خداوند از قول حضرت ابراهیم (ع) چنین نقل می‌کند: شما غیر از خدا برای خود بتهایی انتخاب کرده‌اید که در زندگی دنیا وسیله محبت و دوستی میان شما گردند، اما بدانید روز قیامت این رشته علاقه و محبت گسسته گشته و هر یک از شما از دیگری بیزاری می‌جوید «یکفر بعضکم ببعض» و یکدیگر را لعن و نفرین می‌کنند... [20] .

ترک فرمان خدا

خداوند می‌فرماید: بر ذمه عموم مردم است که آهنگ خانه او کنند، آنها که توانائی رفتن به سوی آن را دارند، (حج بر کسانی که مستطیع باشند واجب است) و هر کس کفر ورزد (و فرمان خدا را ترک گوید و حج بجای نیاورد، تنها به خویشتن ضرر زده، چرا که) خداوند از همه جهانیان بی نیاز است. [21].

کفران نعمت

خداوند از قول سلیمان چنین نقل می‌کند: «و هر کس خدای را شکر گذارد، به سود خویش شکر کرده و هر کس کفر ورزد (و کفران نعمتهای خدا نماید، فقط به خویش خسارت وارد کرده، چرا که) پروردگار من بی نیاز و کریم است. [22].

رنگ خدایی

خداوند می‌فرماید: رنگ خدائی بپذیرید، و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر؟! «صبغة الله و من احسن من الله صبغة» [23]. امام صادق (ع) فرمودند: مراد از «رنگ خدایی اسلام است. [24]. آری، اگر مبانی و تعالیم آسمانی اسلام برای نسل جوان تبیین گردد آنان را شیفته خود کرده و روی از مکاتب ساخته دست بشر و برآمده از هوا و هوسهایش رهایی می‌یابند و اثر جلوه گریهای سراب گونه و سم کشنده فرهنگ فاسد غرب در قالب خط و خال خوشرنگ از بین خواهد رفت.

معنای خشم و غضب خدا

خداوند (پس از بیان جنایات فرعون و پیروانش و مغالطه کاریهای آنها در برابر حضرت موسی (ع) و عدم پذیرش ارشادات و مواظظ آن حضرت) می‌فرماید: پس آن هنگام که ما را به خشم آوردند، از ایشان انتقام گرفتیم و همه را غرق نمودیم. «فلما آسفونا انتقمنا منهم فاغرقنا هم اجمعين» [25]. امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند مانند ما (انسانها) به خشم در نمی‌آید بلکه برای خود، اولیا و دوستانی دارد که آنها خشمگین و یا راضی می‌گردند، و خداوند رضای آنها را رضای خود و خشم آنان را خشم خویش قرار داده، چرا که آنان را راهنمای به سوی خود محسوب داشته و فرموده است: هر کس به دوست من اهانت کند، با من به جنگ برخاسته و مرا به جنگ دعوت کرده است و همچنین خداوند فرموده است: کسی که از پیامبر (ص) پیروی کند خدا را پیروی کرده است. «من يطع الرسول فقد اطاع الله» [26] همچنین فرموده است: کسانی که با تو بیعت می‌کنند، در حقیقت با خدا

بیعت نموده‌اند «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله» [27].

چرا دعا‌های ما مستجاب نمی‌شود؟

خداوند می‌فرماید: ای رسول ما هنگامی که بندگانم از تو درباره من سوال کنند بگو که من نزدیکم. دعای دعا کننده را آن هنگام که مرا می‌خواند اجابت می‌کنم. پس آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا به سعادت راه یابند. [28]. مردی نزد امام صادق (ع) آمد و همین آیه را مطرح نمود و گفت: من خدا را می‌خوانم ولی دعایم به اجابت نمی‌رسد. چرا؟ امام فرمود: زیرا شما به عهد و پیمان خدا وفا دار نیستید، خداوند می‌فرماید: به عهد من وفا کنید تا به عهد شما وفا کنم. «**اوفوا بعهدی اوف بعهدکم**». [29] آنگاه چنین ادامه دادند: به خدا سوگند اگر شما به پیمان تان با خدا وفا دار باشید (و فرامین او را اطاعت و نواهی او را ترک گوئید) خدا به پیمان خود با شما وفا می‌کند (و دعا‌هایتان را مستجاب و بهشت را نصیبتان می‌گرداند). [30].

کمترین اهانت به پدر و مادر، ممنوع

خداوند می‌فرماید: پروردگارت فرمان داده جز او را پرستش مکنید و به پدر و مادر احسان و نیکی نمائید، هرگاه یکی از آنها، یا هر دو ایشان، نزد تو به سن پیری برسند، به آنها «اف مگو. (کلمه اهانت‌آمیز به زبان نیاور) «**فلا تقل لهما اف** و بر سر آنها فریاد مزن و گفتار کریمانه (لطیف و سنجیده) نثارشان گردان. امام صادق (ع) می‌فرماید: اگر چیزی کمتر از «اف وجود داشت، خدا از آن نهی می‌کرد و این (کلمه اف) حداقل مخالفت و بی احترامی نسبت به پدر و مادر می‌باشد... [31].

بهره هر کس از قرآن، به اندازه خویش

امام صادق (ع) می‌فرماید: معارف قرآن 4 دسته‌اند: عبارت، اشارت، لطائف و حقائق. آری، قرآن ظاهری دارد و باطنی. دسترسی به ظاهر قرآن برای کسانی که با لغت عرب آشنایی دارند میسر است. اما از این مرحله که بگذریم یعنی اشارات و لطائف و حقائق قرآن در شعاع فکری هرکسی نمی‌باشد و تنها عده‌ای مخصوص از آنها بهره می‌برند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: بدانید! خدای رحمت‌تان کناد! هرگاه کسی از کتاب خدا، ناسخ و منسوخ، خاص و عام، محکم و متشابه، اسباب نزول،... آشکار و عمیق، ظاهر و باطن، ابتدا و انتها،... قطع و وصل،... و سیاق‌کلام و... نداند آگاه به قرآن و اهل آن نیست و اگر کسی چنین ادعایی (بدون دلیل) کرد، دروغگو و اهل افترا و تهمت‌بر خدا و رسولش می‌باشد و جایگاه وی جهنم خواهد بود و بد سرانجامی است. [32].

پاورقی

- [1] اصول کافی، ج 1، ص 168، حدیث.
- [2] دارالکتب الاسلامیه تهران.
- [3] اصول کافی، ج 1، ص 192، حدیث 1.
- [4] همان، حدیث 3.
- [5] نحل، آیه 89.
- [6] تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 740.
- [7] همان، ج 3، ص 75.
- [8] بصائر الدرجات، ص 216.
- [9] اصول کافی، ج 1، ص 229.
- [10] نساء، 71 تا 73.
- [11] همان، آیه 136.
- [12] یونس، آیات 63 و 64.
- [13] بقره، آیه 55.
- [14] همان، آیه 143.
- [15] مجادله، آیه 22. تفسیر قمی، ج 1، ص 30، چاپ نجف.
- [16] جاثیه، آیه 24.
- [17] بقره، آیه 6.
- [18] همان، آیه 89.
- [19] آل عمران، آیه 119.
- [20] عنکبوت، آیه 25.
- [21] آل عمران، آیه 97.

[22] نمل، آیه 40 و تفسیر قمی، ج 1، ص 32، چاپ نجف.

[23] بقره، آیه 138.

[24] تفسیر قمی، ج 1، ص 62.

[25] زخرف، آیه 55.

[26] نساء، آیه 80.

[27] فتح، آیه 10 و توحید صدوق، ص 168.

[28] بقره، آیه 186.

[29] همان، آیه 40.

[30] تفسیر قمی، ج 1، ص 46.

[31] جامع السعادات، ج 2، ص 258.

[32] همان، ج 93، ص 2 و 3.